ادرار زیتونی : گاهی چربی در روی ادرار یا وسط و یا ته ادرار است

بعضا رنگ ادرار زیتونی است و بعضا هیأت ادرار زیتونی است . گاهی هم رنگ و هم هیأت به زیتونی می زند . مثل بیماری های کلیه و در بیماری سِل .

یکی از ادرارهای بسیار کشنده و بد ؛ ادرار ارغوانی است . ( رنگ آلبالویی )

ادرار ارغوانی از زهره و صفرای سوخته است .

در بعضی از موارد ادرار سرخ رنگ است و یک رگه های سیاهی داخل آن است . این رگه های سیاه رنگ نشانه ی سوداء خالص یا صفراء هست .

در این حالت از طبع های ترکیب شده خبر می دهد .

اینکه خون به زودی منعقد می شود چون سرد و خشک است و قسمت خاکی خون زیاد است . لخته بستن نشانه ی سوداء است و کار طحال است .

وقتی خون کسی سرخ بود و رگه های سیاه داشت نشان دهنده ی طبع های مختلف است .

اگر سیاهی به سمت بالای ادرار گرایش داشته باشد نشانه ی ذات الجمع است و بهترین دارویش شیر الاغ و اگر نبود ، شیر بز هست .

حتی درد مفاصل هم با ادرار قابل شناسایی است .

هیأت : روشنی و تیرگی ادرار

رقیق بودن ، غلیظ بودن و اعتدال ادرار را در نظر می گیرند

اگر ادرار بسیار رقیق و نا متراکم باشد نشان دهنده ی حالات زیر است :

1 . نشانه ی اینست که ادرار به پختگی نرسیده است

( سفید آبکی نشانه ی بلغم است ) ادرار رقیق نشان دهنده ی ناپختگی خلط در بدن است

2 . تنگی عروق

3 . ناتوانی کلیه و مجاری ادرار است به این معنا که کلیه ها و مجاری ادرار به قدری ناتوان هستند که قسمت غلیظ ادرار را نمی توانند جذب کنند و لذا قسمت رقیق را می گیرند و چربی ها را می گذارد

4 . دلیل بر زیاد نوشیدن آب دارد .

دیابتی هم چون عطش دارند و خشکی دهن دارند و صفراء زیاد است ، آب زیاد می خورند لذا ادرارشان روشن است ( البته دیابت هورمونی )

5 . در بیماری های شدید به غیر از این ها ممکن است از ضعف هاضمه باشد . غذا باید در بدن پخته شود .

ادرار رقیق برای افراد خردسال بدتر است ( البته به ادرار شیرخواران توجه نمی شود چون این ها مزاج شیری دارند ) نسبت به جوانان . چون ادرار خردسالان غلیظ تر از جوانان است چون در جوانان رطوبت بیشتر است . چون بدن جوانان نیازمند به دفع منی است . چون بدن جوان می خواهد منی تولید کند ، ادرارشان رطوبت بیشتری دارد

اگر ادرار خردسالان در تب های شدید ، رقیق تر شد نشانه ی اینست که از صحت مزاج فاصله گرفته اند و اگر این حالت ادامه داشته باشد ، آهنگ مرگ است .

گاهی در خردسالان مبتلا به تب شدید ، علی رغم رقّت ادرار ، علائم بهبودی هم مشاهده می شود و در این حالت علامت خطر بیماری نیست .

اگر ادرار تن درستان بسیار رقیق باشد و علی الدوام باشد و آبی که نوشیده می شود بدون تغییر از محل بول خارج و دفع شود ، در این حالت هر کجای بدنش که درد گرفت نشان می دهد که از آنجا قرار است دُمَل در بیاید و نشانه ی بروز دمل است . اکثرا استخوان های کمر درد و اندام های پشتی درد می گیرد . اگر هم درد و سنگینی در بدن احساس نشود ، دمل در کل بدنش پخش می شود .

غلظت ادرار :

اگر ادرار بسیار غلیظ بود ، دلیل بر ناپختگی است ( در اکثر اوقات ) ، و بعضا هم وجود خلط های غلیظی است که دچار ناپختگی در هضم و خلط است یا دلیل بر ترَک ورم یا دملی در بدن است .

( این ناپختگی به دلیل وجود طبع های شدید و مختلف عفونتی در بدن بوجود آمده که باعث شده که ادرار بیش از اندازه غلیظ شود یا ورمی در بدن ترکیده است )

ادرار غلیظ معمولا نشانه ی بد فرجامی است .

اگر در بیماری های شدید ، ادرار رقیق و مداوم باشد بدتر از ادرار غلیظ و کوتاه است .

ادرار غلیظ در این حالت دلیل بر بدی هضم دارد .

ادرار غلیظ است و به مرحله ای از پختگی نرسیده که دُرد داشته باشد که ته نشین شود ، دلیل بر بدحالی بیمار و شدت بیماری است .

اگر بیمار بعد از ادرار غلیظ احساس آسایش کند ، نشانه ی بهبودی است .

و اگر ناتوانی بیمار بعد از دفع ادرار بیشتر شود ، نشانه ی اینست که بیماری در حال افزایش است . مثلا اگر در حالت تب شدید ، ادرار غلیظ به طور آنی و به یکباره و شدید دفع شود ، نشانه ی بهبودی است .

اما اگر در تب شدید ، ادرار کم کم دفع شود دلیل بر زیاد بودن خلط غلبه ی اخلاط و کمی قوا است . ( ارتش کم است و داعش هم زیاد شده اند )

اگر بعد از دفع ادرار غلیظ ، ادرار معتدل به دنبال آید ، و در نتیجه بیمار بیاساید دلیل بر مفید بودن ادرار و بهبود بیماری است .

در بیماری های شدید اگر ادرار رقیق تبدیل به غلیظ شود و بیمار نیاسایید ( بعد از دفع ) ، دلیل بر بد بودن اوضاع است .

اگر ادرار شخص تن درست ، غلیظ باشد و چند روز طول بکشد و در سر ، احساس درد و در تن احساس کسالت دارد ، نشانه ی ابتلا به بیماری تب است . ( پیش بینی )

تنگی مجاری را با مفتحین سدد باید درمان کرد مثل سیاهدانه و عسل ، شیح ارمنی ، چیزهایی که ادرار را زیاد می کند .

بعضی از چیزها مثل انجدان رومی که مجاری را شل می کند و باز می کند هم خوب است . نشستن در آب گرم ، ریشه ی مَرغ ( چایرقوتی ) آن را می کوبند که سنگ شکن خوبی است و مفتح عروق است ، شونی سِر ( عسل و سرکه و سیاهدانه است که قدرت نفوذش بالاست بخاطر وجود سرکه ، اما دوسین فقط عسل و سیاهدانه است )

اینکه در شخص تن درست غلظت ادرار می شود بخاطر دفع بیش از اندازه ی آب باشد یا اطراف مجاری ادرار نوعی شکاف می باشد ، معمولا ادرارهای عفونی بوی چرکین هم دارند . یا زخم در مجاری ادرار هم موجب غلظت ادرار در افراد سالم می شود .

در پختگی ادرار ، اعتدال هیأت بوجود می آید

همچنین ادرار رقیق احتیاج به پخته شدن دارد که از رقت خارج و به اعتدال برسد .

فرقی میان غلیظ بودن و رقیق بودن ادرار است :

ادرار غلیظ ممکن است روشن و یا تیره باشد

( خون های سرد زود منجمد می شود ولی خون های گرم نه . خون صفراء به رنگ زرد و نارنجی است و دیر لخته می بندد . زیر کاپ حجامت که هوا نیست و کل هوا خالی شده است . در کاپ اول خون غلیظ نشده چون قسمت صفراء که صدر نشین است در ابتدا بیرون می آید و بعد در کاپ های بعدی خون غلیظ تر می شود چون سرد است . بعضی ها آنقدر کاپ را سفت می کنند و مکش زیاد است که بیمار احساس می کند در داخل کاپ رفته است . کاپ اول معتدل باشد و بعد یک مقدار سفت تر و در کاپ سوم سفت ترکشده می شود . اگر در اول کاپ خون بسیار غلیظ آمد ، نشانه ی سردی زیاد در قسمتی که بادکش کرده ای می باشد . )

فرق میان غلیظ روشن و رقیق روشن اینست که اگر ادرار غلیظ روشن را با تکان دادن در داخلش موج بوجود بیاورید ، اجزای موج دهنده کوچک نیستند ( موج های بزرگ ایجاد می شود ) و حرکت موج ها کند است و اگر کف کند ، حباب زیادی در آن بوجود می آید . منشأ این ادرار بلغمی است که به خوبی هضم می شود . اگر رنگ این ادرار به زردی بزند منشأ صفرای مغزی است ، اگر سفید باشد نشانه ی هضم بلغم است . و چنانچه رنگی نداشته باشد دلیل بر اینست که منشأ آن از گداخته شدن بلغم زجاجی است

هرگاه ادرار رقیقی دیدید که اجزاء سرخ و زرد دارد بدانید که نوعی خستگی و عطش در کار است . اگر ادرار رقیقی دیدید که اجزاء سپوس ( سبوس در سه جا خوب نیست : در اسهال شدید ، در بیماری سنگ کلیه ، در بیماری جزام بغیر از اینها حتما باید استفاده شود ) مانندی وجود داشت ، و مطمئن شدید که در مثانه بیماری وجود ندارد ، بدانید که در چنین حالتی ، بلغم گداخته شده دخیل بوده است .

ادرار غلیظ در بیماری های شدید به طور کلی بهترین دلیل بر فراوانی خلط ها هست ، هرگاه بخش خاکی مزاج یعنی سردی و خشکی یا باد و آب در هم بیامیزند ادرار تیره رنگ می شود و اگر از هم جدا باشند ، ادرار روشن می شود

سه حالت از حالات ادرار را باید جدّی گرفت :

1 . ادراری که رقیق دفع دفع می شود و بعد غلیظ می شود : طبیعت قوا دست اندرکار بوده اند و در پختن خلط دریغ نکرده اند . لکن ماده ای که باید واکنش نشان دهد ، همه ی فرامین طبیعت را بجا نیاورده است . بدن کارش را انجام داده ولی صددرصدی نبوده است

چنین ادراری ممکن است نشانه ی گداخته شدن اندام ها هم باشد .

بیماری سَحَج که روده ، پوسته پوسته کنده می شود و از مدفوع بیرون می آید ( گداخته شدن عضو )

2 . ادراری که به حالت غلیظ دفع می شود و بعدا روشن می شود و در کنار آن ماده ی غلیظ از ادرار جدا شده و ته نشین می شود . این دلیل بر آنست که طبیعت بر ماده چیره شده است .

بدن توانسته این خلط را بپزد و بیماری را از بدن بیرون کند . و چنانچه روشنی ادرار بیشتر باشد ، ته نشین آن زیادتر و ته گرایی آن سریعتر باشد ، نشانه ی پخته شدن بیشتر است .

3 . ادرار حد وسط این دوحالت : نه غلیظ و نه رقیق

اگر علی الدوام باشد و در عین حال طبیعت بدن نیرومند باشد و نیروی بدن پایدار باشد . امید می رود که به پختن کامل برسد اما اگر نیرو پابرجا نباشد بیم آن می رود که قبل از پخته شدن ، مرگ فرارسد .

اگر چنین ادراری دوام یافت و نشانه های ترسناک روی نداد ، زنگ خطری است برای بوجود آمدن سُدّاع ( سردرد ) ، چون در این حالت دلالت بر برانگیخته شدن بادهای بخاری بدن دارد . مثلا کسی که سردرد دارد می گویند که ترب نخورد چون باعث سنگینی بیشتر سر می شود . یا کرفس و گردو می گویند نخور چون خلط را غلیظ می کند و بیماری سر تشدید می یابد .

ادراری که ابتداءا رقیق و بعد منعقد شود و در این کیفیت استمرار داشته باشد بهتر از ادراری است که اکثرا به حالت منعقد توقف دارد .

 \* بهترین ادرار غلیظ ادراری است که به آسانی بیرون می ریزد . این نوع ادرار معمولا بیماران فالج ( سکته ی ناقص ) { با فصد و زالو و حجامت و سبر زرد می توان جلوی سکته را گرفت }

و شبیه به آن می تواند شفا پیدا کند .

ادرار غلیظی که فراوان باشد و به تدریج رقیق شود نیز ادراری مطلوب است .

 اگر ادرار تیره رنگ باشد و قطره قطره فرو ریزد و بعد از آن ادرار غلیظی با حجم زیاد و یکدفعه خارج شود و بیمار احساس آسایش داشته باشد در چنین حالتی غالبا بیماری شفا پیدا می کند

در طب اسلامی « بیمارستان » نداریم بلکه دارالشفاء داریم

بیمارستان یعنی جایی که بیماران را جمع می کنند وبیماری را بیشتر می کنند .

بسیاری از بیماری ها درمان می شود بلکه رویش سرپوش می گذارند و از جای دیگری بیرون می زند . بسیاری ها از بیماری ها پزشک زا هست یعنی خود پزش

کتاب بحران در پزشکی غرب که از زبان خود آمریکایی ها نوشته اند و چقدر افتزاح بزرگی این طب در دنیا بوجود آورده است

در قدیم هرجا که گوشت دیرتر فاسد می شد ، آنجا را دارالشفاء می کردند

اسمش را هم خوب گذاشته اند « بیمارستان » ، یعنی بیمار برو و بیمارتر برگرد . شما تا حالا ندیده اید که یک شخصی بیمارستان برود و کسل و بی حالتر برنگردد .

در چنین حالتی غالبا بیمار شفا پیدا می کند و حالت بیماری دفع می شود . تب خیلی بیماری عجیب و غریبی است . خواه آن علت جزء تب های شدید باشد یا از سایر بیماری های امتلائی باشد .

چنین ادراری به ندرت دیده می شود .

ادراری که به نوع مفرط غلیظ دفع شود ( رنگش طبیعی باشد ) نشانه ی اینست که ادرار بد نیست و معلوم می شود که موارد را بسیار کم با خود آورده است .

به طور کلی ادرار فراوان دلیل بر آن است که اخلاط زیاد است . ( هر جا خلط زیاد شود ، حجم ادرار هم زیاد می شود ) و طبیعت در پخته گردانیدن آن ها کوشاست .

اگر ادراری دُرد زیتی داشته باشد دلیل بر وجود سنگ مثانه است .

ادرار غلیظ را که از ترکیدن ورم ها و دمل ها خبر می دهد ، باید از آمیزه های آن و یا از روی علائم بشناسید مثل ورم های درونی یا زخم مثانه و کلیه و کبد .

منظور از اصطلاح آمیزه آن است که ادرار غلیظ در هنگام دفع ، چرک و جرم های رقیق سفید یا سرخ یا سبوس مانند و غیره را به همراه داشته باشد که از روی آن تشخیص داده شود که نشانه ای از وجود ورم ها با آن است .

==========================================